

## رویکردی تحلیلی به بررسی جنسیت و تفاوت‌های آن در ادراک فضای کالبدی، نمونه‌موردی: فرهنگسراهای شهر تهران\*

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۰۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۱۰/۱۳

اخلاص قمری\*\* - غلامرضا طلیسچی\*\*\* - امید دژدار\*\*\*

### چکیده

هدف تحقیق حاضر، رسیدن به آیتم‌های ضروری در طراحی فضایی معماریست، که برای هر دو گروه جنسی کاربر فضا طراحی شده باشد. چنین فضایی، محصول توجه به تفاوت‌های ادراکی دو جنس استفاده‌کننده از فضا می‌باشد. ادراک فضا، از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین ابعاد شناخت و سنجش فضا می‌باشد. یکی از ابعاد مهم تفاوت‌های فردی انسان‌ها، جنسیت است و به نظر می‌رسد که جنسیت با نگرش‌های افراد و ادراک آن‌ها از پدیده‌ها رابطه داشته باشد. در نتیجه چنین تفاوت‌هایی، ممکن است افراد مختلف در رویارویی با فضا ادراک متفاوتی نسبت به یکدیگر داشته باشند. چنین موضوعی مستقلاً کمتر بررسی شده است و نتایج چنین آزمایش‌هایی می‌تواند تأثیر قابل توجهی در ارتقاء کیفیت محیط‌های انسانی داشته باشد. این مقاله درصدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر است: آیا بین جنسیت و ادراک فضای کالبدی رابطه‌ای وجود دارد؟ و در ادراک فضای کالبدی توسط جامعه آزمودنی، بین دو جنسیت، تفاوت معناداری در توجه به ویژگی‌های فضا وجود دارد؟ فرهنگسراهایی در تهران انتخاب شده‌اند و گروه‌های پاسخ‌دهنده مؤنث و مذکر به منظور سنجش مفاهیم ادراکی فضا مورد استفاده قرار گرفته‌اند. روش پژوهش، آزمون افتراق معناییست. براساس نتایج حاصله، افراد در رویارویی با محیط، به تمام جنبه‌های فضای معماری، مقولات بصری، روانی، ادراکی و عملکردی توجه دارند. بنابراین باید در طراحی به تمام جنبه‌های ادراکی کاربران و تفاوت‌های آنان توجه نمود. این امر باعث ادراک کامل‌تر و خاطره‌انگیزی آن فضا شده و کاربران بهتر و با کیفیتی بالاتر با آن ارتباط برقرار کرده و زمان بیشتری را با رضایت خاطر در آن سپری می‌نمایند. از یافته‌های این پژوهش می‌توان به تفاوت‌های ادراک زنان و مردان از فضای کالبدی دست یافت و با رعایت آن‌ها در طراحی فضاهای عمومی، به ارتقاء کیفیت حضور هر دو جنس در فضا کمک کرد.

واژگان کلیدی: ادراک محیط، جنسیت، فضای ساخته شده، فضای عمومی.

\* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری نویسنده اول با عنوان «بررسی جنسیت و تفاوت‌های آن در ادراک فضای کالبدی» به راهنمایی آقای دکتر غلامرضا طلیسچی و مشاوره آقای دکتر امید دژدار می‌باشد که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان انجام یافته است.

\*\* کارشناس ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران.

\*\*\* استادیار معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول).

## مقدمه

ادراک فضا، از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین ابعاد شناخت و سنجش آن می‌باشد. طی چند دهه اخیر، مطالعات بسیاری درباره وجوه مختلف و روانشناسی ادراک در عرصه پژوهشی انجام گرفته و در مرکز این مطالعات، منظر رشدیافته‌ای درباره تفاوت‌های ادراک شکل گرفته‌است. تفاوت‌های ادراک انسان‌ها معلول تفاوت‌های نگرشی، سنی، فرهنگی، شغلی، جنسی و غیره می‌باشد. آنچه را که در بحث ادراک باید مورد توجه قرار داد، این است که به‌رغم تشابه دستگاه احساس و ادراک در همه انسان‌ها، هر یک ادراک متفاوتی از پیرامون خود دارند. از این‌رو، ادراک متفاوت از محرک‌های مشابه، می‌تواند نتیجه ترکیب عوامل متعددی باشد و تنها یک عامل تأثیرگذار به‌تنهایی نمی‌تواند تعیین‌کننده آنچه ادراک می‌شود، باشد (Gifford, 1997, p. 24). در مقاله پیش‌رو، یکی از ابعاد تفاوت‌ها، یعنی تفاوت‌های جنسی و جنسیتی مورد توجه قرار گرفته است.

جنسیت<sup>۱</sup> به‌عنوان مقوله‌ای اجتماعی و متأثر از فرهنگ حاکم بر جامعه، با مفهوم جنس<sup>۲</sup> که عموماً برای بیان همان مقوله از دیدگاه زیست‌شناختی به‌کار می‌رود، متفاوت است. یکی از ابعاد مهم تفاوت‌های فردی بین انسان‌ها، جنسیت است. به‌نظر می‌رسد که جنسیت مانند جنس، با بینش‌ها و نگرش‌های افراد و ادراک آن‌ها از پدیده‌ها رابطه داشته‌باشد. در نتیجه چنین تفاوت‌هایی ممکن است افراد مختلف در رویارویی با فضا، ادراک متفاوتی نسبت به یکدیگر داشته‌باشند. بنابراین، این سؤال به‌وجود می‌آید که آیا بین جنسیت و ادراک فضای کالبدی رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا جنسیت متغیر مهمی در فهم معماریست؟ و جنس‌های متفاوت از فضاهای معماری معانی مختلفی دریافت می‌کنند؟ و یا آن‌ها را متفاوت معنا می‌کنند؟

آیا در ادراک فضای کالبدی (فرهنگسرا) توسط جامعه آزمودنی (کاربران دختر و پسر)، بین دو جنسیت، تفاوت معناداری در توجه به ویژگی‌های موجود در فضا وجود دارد؟ فرضیاتی که به وجود استقلال یا رابطه معنادار میان جنسیت و ادراک فضای کالبدی می‌پردازند، شامل موارد ذیل می‌باشند (نمودار ۱).

• درک زنان و مردان از فضای ساخته شده می‌تواند متفاوت باشد.

• به مکان‌های خاصی ممکن است براساس جنس زیست‌شناختی کاربران خصوصیات جنسی داده شود.

متغیرهای مربوط به پرسش‌های تحقیق: ادراک فضای کالبدی متغیر وابسته و متغیر مستقل جنسیت است.

پدیده جنسیتی‌شدن فضای عمومی سبب افت کیفیت و مطلوبیت فضا شده و نمایانگر ناکارآمدی آن فضای معماری برای هر دو جنس، و تبدیل یک فضای عام به یک فضای خاص است. از این‌رو هدف این پژوهش بر اهمیت عدم جنسیتی‌شدن یک فضا تأکید دارد.

جنسیتی‌شدن فضای معماری معضلی است ناشی از عدم درک و فهم صحیح از تفاوت‌های جنسیتی و رابطه آن با ادراک فضای معماری که جوامع امروزی با آن روبه‌رو هستند.

جنس، تفاوت بیولوژیکی میان زن و مرد است. در حالی که جنسیت رفتارها، نقش‌ها، نگرش‌ها و مسئولیت‌های منسوب به زن یا مرد در یک جامعه می‌باشد (Jazany, 2001, p. 13).

جنسیت، انتظارات اجتماعی از رفتار مناسب هر جنس است (Giddens, 1994, p. 780) و دربرگیرنده آن ویژگی‌های اجتماعی است که رفتار زنانه یا مردانه را در جامعه تعریف می‌کند. از این‌رو می‌توان جنسیت را تفاوت‌های اکتسابی فرهنگی بین مردان و زنان تعریف کرد (Robertson, 1989, p. 275). انجام رفتار، فرآیندی است که در جریان آن مقاصد ذهنی و بالقوه، به فعل درمی‌آید. بنابراین رفتار جدای از فعالیت در نظر گرفته می‌شود. رفتار، انجام یک فعالیت در عمل است. اگر فعالیت شکل انتزاعی و بالقوه‌ای از یک عمل دارد، رفتار فرم بالفعل و نحوه اجرای فعالیت می‌باشد (Pakzad & Bozorg, 2012, p. 229). جنسیت، مشمول رفتارها، کنش‌ها و اندیشه‌های اجتماعی است که فرهنگ حاکم در هر جامعه به عهده دو جنس زن و مرد می‌گذارد. در ارتباط با نقش‌های جنسیتی، افکار قالبی در مورد هر دو جنس در جامعه مشاهده می‌شود که دامنه انتظارات را از هر دو جنس تعیین می‌کند (Nersisias, 2004, p. 38) از این‌رو، جنسیت به‌عنوان یک عامل اجتماعی و متأثر از فرهنگ مطرح می‌شود. بنابراین تفاوت‌های جنسیتی ثابت نبوده و در فرهنگ‌های مختلف و در طول زمان تغییرپذیر است (Colomina, 1992, p. 35).

میزان کارایی فضا از معیارهای کیفی سنجش فضاست. انسان پاسخ نیازهای خود را در فضا جستجو می‌کند و برای هر نیاز خاص، ذهن انسان فضایی را می‌طلبد که بتواند بهترین بستر را برای ارضاء نیازهایش فراهم کند. نحوه پاسخ گرفتن از فضا و میزان رضایت شخص از محیط در رفتار و واکنش وی نسبت به محیط بروز می‌نماید. بنابراین رابطه‌ای نزدیک و متقابل بین فضا و رفتار وجود دارد (Mortazavi, 2001, p. 35). هر شخص به محض حضور در یک فضا به ارزیابی محیط می‌پردازد. زمانی که محیط شرایط مناسب‌تری را فراهم می‌کند و شخص با زحمت کمتری به هدف خود می‌رسد، شخص احساس مطلوبیت کرده و تمایل دارد مدت طولانی‌تری در آن محیط توقف نماید (Kazemi, 2006, p. 53).

ادراک انسان‌ها در محیط‌های متفاوت به صورت متفاوتی شکل می‌گیرد (Gifford, 1997, p. 26). از این‌رو، در پژوهش

پیش‌رو فضای موردنظر، فضایی عمومی در نظر گرفته شده است. چراکه فضاهای عمومی برای استفاده هر دو گروه جنسی می‌باشند. اما گاهی به دلایلی مانند عدم انطباق وضع موجود این فضاها با نیازهای خاص بخشی از کاربران فضا (زنان یا مردان) حضور بخشی از کاربران در این فضاها کم‌رنگ شده و یا از حضور در این فضاها اجتناب می‌کنند. موضوع جنسیت و معماری می‌تواند پیچیده است و در حال حاضر کسانی که در معماری به مقوله جنسیت توجه دارند از پیروان جنبش برابری‌طلبی زنان الهام می‌گیرند، زیرا مطالعات پایه در رابطه با جنسیت متعلق به آنان بوده و اشاره به مطالعاتشان اجتناب‌ناپذیر است. اما بر اساس تعریف جنسیت و توجه به این مهم که رفتارها و نقش‌های جنسیتی در فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر تفاوت دارند، برای بررسی رابطه بین جنسیت و معماری الزامی به داشتن گرایش فمینیستی نیست. بدین معنی که هر جامعه برای بررسی و حل مشکلات، پاسخی بومی دارد که باید در قالب فضای فرهنگی و اعتقادی خود به آن پرداخته و قضاوت شود (Kazemi, 2006, p. 48).

آگاهی از ویژگی‌های زن و مرد برای طراحی محیطی مطلوب برای هر دو جنس، امری ضروری است. بنابراین پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش افتراق معنایی، اقدام به مطالعه خصوصیات هر دو جنس کرده و ویژگی‌های متفاوت آن‌ها در ادراک و ارزیابی محیط و دیگر ویژگی‌های رفتاری ناشی از آن‌ها را شناسایی و تفاوت‌های میان آن‌ها در نحوه انجام این فرآیندها را بیان کرده است. سپس با آشنایی با تفاوت‌های ادراکی دو جنس مختلف به ارائه راه‌حلی برای طراحی فضاهای کالبدی پرداخته است که مورد پسند هر دو گروه باشد.

## ۱. روش پژوهش

این بخش، به گزارش یک پژوهش تجربی برای سنجش و بررسی تفاوت‌های جنسیت بر ادراک فضا می‌پردازد و روش‌شناسی آن، آزمون افتراق معنایی<sup>۳</sup> است.

این روش، پیمایشی میدانی است که پس از بررسی مفاهیم پایه در روانشناسی احساس و ادراک، روانشناسی محیطی و جنسیت؛ فرضیه‌هایی را مطرح و با صفات دوقطبی و پرسشنامه به آزمون فرضیه‌ها می‌پردازد. داده‌های به‌دست‌آمده جمع‌آوری و از طریق تحلیل استنتاجی بررسی شده و نتایج با فرضیات پژوهش تطبیق داده شده است. در انتها خلاصه نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های مطرح‌شده در پژوهش ارائه شده است.

بحث نه در خصوص جنسیتی شدن فضا و فضای جنسیتی شده، بلکه در بررسی و شناخت تفاوت‌های ادراک فضای کالبدی توسط دو جنس مختلف کاربر فضا می‌باشد. بنابراین پژوهشی تجربی انجام گرفته که در آن موارد و نکات ادراک شده و مورد توجه کاربران فرهنگسراها، اساس تجزیه و تحلیل قرار گرفته و میزان این تفاوت در ادراک بررسی شده است. چهار فرهنگسرا در تهران، ابن‌سینا در غرب، اشراق شرق، سرو و ارسباران در مرکز و شمال انتخاب و دو گروه پاسخ‌دهنده مؤنث و مذکر به منظور سنجش تفاوت مفاهیم انتقالی و ادراک فضای کالبدی استفاده شدند. نخست با پرسش مستقیم از کاربران، به شناسایی صفات و مفاهیم القایی معماری و فضا پرداخته شد. به این صورت که به ۳۵ نفر زن و ۳۵ نفر مرد و در مجموع ۷۰ نفر از کاربران پرسشنامه‌ای ارائه و خواسته شد که نقاط ضعف و قوت فضاها را بیان و نیز ویژگی‌های معماری یک فرهنگسرای آرمانی را بیان کنند و مشخص شد که کاربران به چه ویژگی‌هایی در یک فضا توجه دارند و از این طریق صفاتی که این معانی و مفاهیم توسط آن‌ها بیان می‌شوند، شناسایی شدند. نتایج این آزمون برای تدوین صفات دوقطبی برای مرحله دوم آزمون استفاده شدند. همچنین تلاش بر این بوده که فضاهایی انتخاب شوند که زنان و مردان هم‌زمان وقت خود را به اشتراک می‌گذارند<sup>۴</sup>.

### ۱-۱- روش افتراق معنایی

این روش از روش‌های تحقیقی موفق است و در آن از کلمات برای درک و شناخت معانی تداعی شده استفاده می‌شود. اساس شکل‌گیری این روش نگرش به زبان به عنوان وسیله‌ای برای انتقال معنا می‌باشد. زبان به عنوان ابزاری ارتباطیست که معانی مختلف از طریق آن انتقال یافته و ارتباط برقرار می‌شود.

از آنجاکه زبان خود یک ابزار انتقال معناست، می‌توان با بیان یک کلمه معانی صریح و ضمنی آن را به صورت تجربی استخراج نمود. به علاوه می‌توان از کلمات برای سنجش حالات و تجربیات فردی استفاده کرد. تجربه‌ها نشان داده‌اند که در چنین مواردی میزان دانش و وسعت فرهنگ لغات شخص پاسخ‌دهنده در پاسخ‌ها مؤثر است. روش افتراق معنایی برای رفع این معضل ابداع شد. در این تفکیک به جای ادراک و احساس از طرف پاسخ‌دهنده، از وی خواسته می‌شود که ادراک و احساس خود را بر اساس کلماتی از پیش تعیین شده بیان نماید. این کلمات صفاتی دوقطبی بوده و دو حالت مقابل هم را بیان می‌کنند. پاسخ‌دهنده می‌تواند یکی از دو حالت و یا وضعیتی بین دو حالت را که به بهترین شکل تجربه وی را بیان می‌کند، انتخاب کند. به این صورت که تعدادی گزینه بین دو حالت انتهایی یا دو کلمه مقابل قرار می‌گیرد. هنگامی که یک مفهوم بر اساس چندین صفت دوقطبی داوری شود، امکان یافتن روابط داخلی فراهم خواهد شد؛ به عبارتی همبستگی بین صفات مختلف را می‌توان روشن کرد (Rezazadeh, 2004, p. 41).

## ۲-۱- صفات دوقطبی

گزینش صفات دوقطبی مناسب برای سنجش ادراک در دو جنس مختلف مهم‌ترین مرحله به‌کارگیری تکنیک افتراق معنایی است. ممکن است صفات متناسب مرتبط با هر مفهوم متفاوت باشند. صفاتی را باید در آزمون به‌کار برد که بیشترین ابعاد معنایی یک مفهوم را دربر گرفته تا نتیجه‌گیری از آزمون بهینه باشد (Rezazadeh, 2004, p. 42). در این پژوهش با پرسش از کاربران و پرسشنامه تشریحی برای شناخت صفات دوقطبی مرتبط با مفاهیم محیطی استفاده شده‌است. مصاحبه‌ها منفرد بوده و جهت کنترل شرایط محیطی و کاهش عوامل مزاحم و جلوگیری از تداخل نظریات دیگران بر دیدگاه‌های فرد پاسخ‌دهنده، ضمن انجام مصاحبه تنها مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده حضور داشته‌اند. هر یک از ویژگی‌هایی که از طریق مصاحبه‌شوندگان مطرح شد، عکس آن نیز پرسیده‌شد تا نقطه مقابل آن ویژگی در صفات دوقطبی مشخص شود. نتایج آزمون‌ها به تفکیک ثبت شده و براساس فراوانی ویژگی‌ها، صفات دوقطبی شکل داده شده‌اند (جدول ۱).

### جدول ۱: بخشی از فرم صفات دو قطبی مورد استفاده در آزمون افتراق معنایی

کلاسیک	_____	مدرن
آرامش	_____	هیجان
غیر ایرانی	_____	ایرانی
ساده	_____	پیچیده
افسرده	_____	دلپاز
راکد	_____	پویا

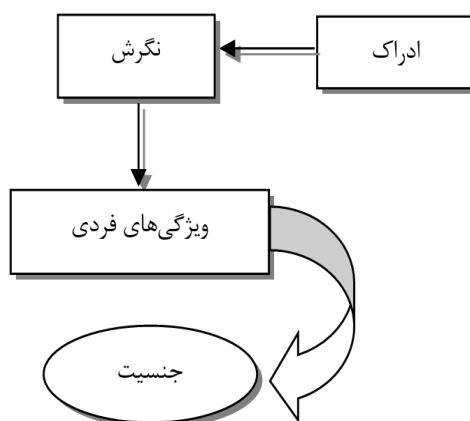
## ۳-۱- گروه‌های پاسخ‌دهنده

آزمون افتراق معنایی به صورت گروهی انجام می‌گیرد که امکان انجام آزمون با تعداد پاسخ‌دهنده خوبی را در زمانی مناسب فراهم می‌کند. طبق برنامه تدوین شده دو گروه پاسخ‌دهنده زن و مرد به تعداد برابر هر کدام ۳۰ نفر در هر یک از فرهنگسراها و در مجموع ۲۴۰ نفر برای انجام این آزمون در نظر گرفته شده‌اند.

## ۲-۲- مرور ادبیات پژوهش

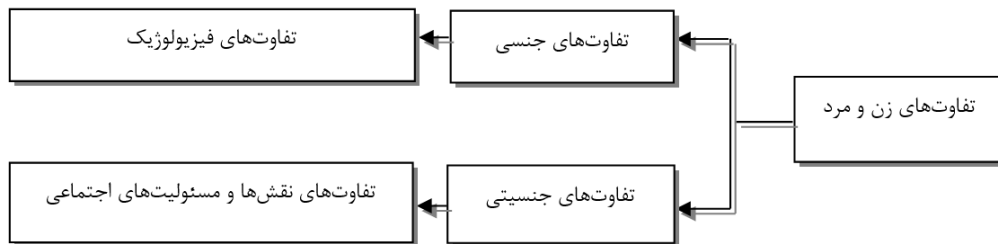
ادراک محیط می‌تواند در افراد مختلف متفاوت باشد. چه عواملی باعث این اختلاف می‌شوند؟ بعضی از این تفاوت‌ها مربوط به تفاوت‌های فردی اشخاص، داشتن تجربه‌های متفاوت، جنسیت، فرهنگ و غیره و بعضی مربوط به جلوه‌های متفاوت محیط هستند (Pakzad & Bozorg, 2012, p. 126) (نمودار ۱).

### نمودار ۱: مراحل ادراک



به نظر "مارگارت مید"، در بیشتر جوامع میان زن و مرد تفاوت‌های روانی وجود دارد، ولی نوع و میزان این تفاوت‌ها برحسب نوع فرهنگ‌ها متفاوت است، و نقش‌های جنسیتی تغییر می‌کنند (نمودار ۲). بنابراین در طراحی حساس به جنسیت، هم باید بر ایجاد شرایط عینی مناسب برای زن و مرد، و هم بر نیازهای خاص آنان در جامعه تأکید شود (Pakzad & Bozorg, 2012, p. 337).

## نمودار ۲: انواع تفاوت‌های زن و مرد



(Pakzad & Bozorg, 2012)

براتی و سلیمان‌نژاد در مقاله "ادراک محرک‌ها در محیط کنترل‌شده و تأثیر جنسیت بر آن" در قالب فعالیتی تجربی، از تعدادی دانشجوی دختر و پسر خواستند از یک نمایشگاه عکس، دیدن کرده و به سؤالاتی در مورد عکس‌ها پاسخ دهند. هدف، تشخیص چگونگی ادراک محیط این دانشجویان بوده‌است. سؤال این بوده که آیا بین دو جنس مرد و زن در این مورد اختلاف قابل‌توجهی وجود دارد؟ این مقاله حاصل فعالیتی پژوهشی است که ضمن مرور ادبیات موضوع، به تحلیل نتایج به‌دست آمده پرداخته است (2011, p. 19).

مقاله "طبیعت جنسیت: محل کار، جنسیت و محیط زیست" به‌دنبال این سؤال است که چگونه جنسیت در رابطه با محیط معنا دار می‌شود؟ و به بررسی مطالعاتی که در مورد جنسیت و محیط پرداخته و پیشنهاد کرده که جنسیت به تنهایی در کارهای محیطی تحت‌توریزه شدن<sup>۵</sup> است (Nightingale, 2006, p. 35).

مقاله "کیفیت زندگی و جنسیت: روشی برای تحقیقات شهری" در مورد مفهوم کیفیت زندگی (که به حس مردم از رفاه اهمیت می‌دهد) که از کیفیت محیطی متفاوت است، و اینکه چگونه هر دو قابل اندازه‌گیری هستند، می‌باشد و در مورد روشی پایه برای انجام تحقیقات روی کیفیت زندگی با تأکیدی خاص بر جستجوی فهمی واضح از تفاوت‌های ادراک زنان و مردان سخن می‌گوید (Fadda & Jiron, 1999, p. 35).

## ۱-۲- تأثیر جنسیت در ادراک فضا

جنسیت به‌عنوان مؤلفه پنهان در ارتباط با فضای معماری، مورد کم‌توجهی قرار گرفته‌است. جامعه‌شناسان بین جنس و جنسیت تفاوت قائل‌اند. جنس براساس تفاوت ویژگی‌های جسمی به وجود می‌آید، در صورتی که جنسیت معرف باورها و رفتارهایی است که مرد یا زن بودن را نشان می‌دهند و مفهوم آن در فرهنگ‌ها و طبقات مختلف اجتماعی تغییرپذیر است (Holmes, 2005, pp. 26-37). جنس و جنسیت با حدود بدن افراد تعریف نمی‌شود بلکه با مناسبات اجتماعی ارتباط دارد و از طریق فضا شکل‌گرفته و بسط پیدا می‌کند (Tonkiss, 2006, p. 147). جنس، یک واقعیت جسمی و زیست‌شناختی بوده و جنسیت یک مفهوم اجتماعی است که در ساختار اجتماعی<sup>۶</sup> شامل مفاهیم مردانگی و زنانگی در فرایند اجتماعی شدن افراد است (Cuthbert, 2006, p. 128). ساختار اجتماعی در کنار باورها و تصورات افراد در مورد مرد و زن بودن نقش مهمی در شکل‌گیری رفتار جنسیتی آن‌ها ایفا می‌کند. مفهوم جنسیت در فرهنگ‌های گوناگون و طبقات مختلف اجتماعی تغییر کرده‌است؛ آن‌ها به شیوه‌های مختلفی مرد و زن بودن را نشان می‌دهند و به طرق گوناگون در زندگی افراد به کار می‌گیرند، به طوری که در تمامی فرهنگ‌ها انتظارات خاصی بر زنان و مردان تحمیل می‌شود (Holmes, 2005, pp. 36-63).

به‌دلیل وجود تفاوت بین زن و مرد، از نظر جنسی و جنسیتی، زنان و مردان نیازهای متفاوتی دارند. جنسیت بیانگر نوعی رابطه است که بر مبنای این واقعیت زنان و مردان تجربیات متفاوتی در مسیر زندگی دارند (Khani, 2006, p. 2). تحقیقات به‌عمل آمده حاکی از آن است که به‌رغم هم‌زیستی مسالمت‌آمیز فضایی، مردان و زنان، نه تنها به شیوه‌های متفاوتی از فضا استفاده می‌کنند، بلکه تجربه آن‌ها در رابطه با فضا نیز تا حدودی متفاوت است. زنان فضاهای شهری را به فضاهای "امن" و "ناامن" تقسیم می‌کنند. این امر باعث می‌شود، زنان در برخی از فضاهای شهری به تنهایی حرکت کنند، در حالی که ترجیح می‌دهند در برخی از فضاهای شهری تنها به همراه دیگران و یا توسط خودرو عبور کنند (Stevenson, 2014, pp. 75-77). درباره شاخص امنیت می‌توان گفت که جنسیت مؤثرترین عامل شخصیتی در احساس ناامنی مطرح شده است. مردان در مورد امنیت محیطشان در قیاس با زنان، احساس مثبت‌تری دارند. هم مردان در تاریکی احساس ناامنی می‌کنند و هم زنان، اما میزان آن در زنان بالاتر است (Bemanian et al., 2009, p. 52).

## ۲-۲- تفاوت‌های زنان و مردان در ادراک فضا

عمده‌ترین تفاوت زنان و مردان این است که زنان ادراک جزءگرا و مردان ادراک کل‌گرا دارند. هنگام قرارگیری در فضایی شهری، زنان به جزئیات ویتترین‌ها، پنجره‌ها، تزئینات نما و غیره توجه می‌کنند و مردان در تشخیص کلیت فضا و جداره‌ها قدرتمندتر هستند. بنابراین در طراحی یک فضای عمومی، لازم است جزئیات عناصر، در کنار کلیت فضا تعریف شده باشد (Bemanian et al., 2009, p. 340). زنان در محیطی با جزئیات بیش از حد، بیشتر احساس سردرگمی می‌کنند. از این‌رو، در فضاهایی مانند اتوبان‌ها که سرعت بالاست و توجه به سوی عناصر محدودی جلب می‌شود، مردان به راحتی دید خود را متمرکز می‌کنند. برای هموار کردن شرایط برای زنان نیز لازم است محیط پیرامون را کم‌جزئیات نگه داشت تا توجه به سوی نقطه روبه‌رو جلب شود و زیادی اطلاعات موجب سردرگمی نشود (Bemanian et al., 2009, p. 341). زنان در محیط‌های شلوغ بیش از مردان انرژی مصرف نموده و زودتر خسته و عصبی می‌شوند (Majd, 2006, p. 51). تجسم فضایی یکی از قوی‌ترین توانایی‌های مردان است. خانم‌ها در تشخیص اشکال دو بعدی و مردان در تجسم احجام سه بعدی بهتر عمل می‌کنند. حس جهت‌یابی مردان، قوی‌تر از زنان است. مردان به دلیل تجسم فضایی بهتر، قادرند به‌خوبی نقشه‌شناختی، موقعیت خود و عناصر مهم را نسبت به هم بیابند. از آنجاکه در چنین نقشه‌ای عناصر تصور شده، تنها عناصر مهم شهر بوده و مجموعه‌ای خلاصه و کلی از واقعیت است، جزئیاتی ندارد که مردان در به‌خاطر سپاری آن‌ها دچار مشکل شوند. برای کاهش ضعف خانم‌ها، باید برای جهت‌یابی خانم‌ها از نشانه‌های شاخص استفاده نمود و برای تقویت جهت‌یابی آقایان در شهر، تعبیه نشانه‌های بزرگ و کلی کافی خواهد بود (Pakzad & Bozorg, 2012, p. 347). البته این تفاوت‌ها بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. از آنجایی که تفاوت‌های جنسیتی خاص هر فرهنگ است، برای آگاهی از آن‌ها بررسی فرهنگی که قصد طراحی برای آن‌ها را داریم ضروری و طراحی مقوله‌ای موقعیت‌محور است (Pakzad & Bozorg, 2012, p. 339).

## ۳. یافته‌های پژوهش

از عوامل مطرح شده مشخص می‌شود که عوامل شخصیتی، فرهنگی و شرایط محیطی همگی در فرآیند ادراک تأثیرگذار هستند. پیش‌فرض‌های محیطی مرتبط با جنسیت نیز از عوامل مهم در فرآیند مذکور می‌باشد که در آن نقش به‌سزایی داشته و باعث تفاوت در میزان و نحوه ادراک و تجربه افراد از مکان می‌شود. نتایج پژوهش روشن خواهند کرد که آیا متغیر جنسیت بر ادراک فضا تأثیرگذار است؟ و اگر این عامل مؤثر می‌باشد، تفاوتی بین ادراک زنان و مردان از فضای عمومی به‌خصوص در نوع فرهنگی وجود دارد؟ و به‌طور جزئی‌تر، این ویژگی‌های تفاوت در ادراک چه چیزهایی هستند؟

در این پژوهش، متغیرها دو سطح دارند، مردان و زنان. در چهار فرهنگسرای مورد مطالعه، تفاوت‌های بین ادراک زنان و مردان مشخص خواهند شد. در اینجا به ارزیابی پس از اجرای پروژه‌ها پرداخته شده‌است. با پرسش از کاربران راجع به نقاط ضعف و قوت فضاهای فرهنگسراها و نیز علل آن‌ها، نیازهای کاربران شناسایی شده‌است. هدف این است که دخالت طراح را به حداقل برسانیم. در روش‌های مشارکتی<sup>۷</sup> در برنامه‌ریزی و طراحی از روش نخبه‌گرایانه، نقش طراح مبدل به نقش میانجی‌گر می‌شود و طراح، با بررسی و جمع‌بندی نظرات کاربران طراحی خواهد کرد.

## ۱-۳- یافته‌های اولیه

در اولین مرحله تحلیل برای پژوهشگر، بررسی ویژگی‌های فضاهای معماری از دید استفاده‌کنندگان مطرح بود. پژوهشگر بر آن بود تا ویژگی‌های کالبدی فضای معماری را از خلال تعاریف کاربران استخراج کند. در پرسشنامه نخست، ویژگی‌های فرهنگسرای آرمانی از دیدگاه کاربران سؤال شد و ایشان نقاط ضعف و قوت فرهنگسرای مورد استفاده را از نظر کالبدی بیان داشتند. نتایج حاصل از پرسشنامه، شاخص‌هایی را ارائه نمود که به‌عنوان ویژگی‌های فضای کالبدی مورد توجه کاربران طبقه‌بندی شدند و تدوین صفات دوقطبی را ممکن ساختند. سپس لیست پرسشنامه صفات دوقطبی از طریق نتایج پرسشنامه تدوین شد. موارد به‌دست‌آمده از آزمون اول به شرح زیر می‌باشند. ابعاد داخلی فضاها، در دسترس بودن تسهیلات رفاهی، محوطه سبز و محل مناسب لذت‌بردن از آن، دسترسی‌های مناسب معلولان و سالمندان، فضای مکث مناسب، در برخی موارد برای هر ریزفضا، ویژگی‌های جداگانه‌ای مطرح شد؛ از جمله برای آمفی‌تئاتر، دید مناسب به سن و برای کتابخانه، صندلی‌های ارگونومی و آکوستیک و نورپردازی و تهویه مناسب. شایان ذکر است که در نود درصد پرسشنامه‌ها سنتی بودن و رعایت اصول معماری بومی و ایرانی مورد توجه کاربران بود. در مرحله بعد صفات دوقطبی از پرسشنامه استخراج و با روش افتراق معنایی به تفاوت‌های ادراک دو جنس پرداخته شده‌است. میانگین سنی گروه‌های پاسخ‌دهنده ۲۲ تا ۳۵ سال است.

## ۲-۳- آزمون فرضیات

قبل از پرداختن به آزمون فرضیات، در خصوص ویژگی‌های فضا، به مطالبی که اساس آزمون را تشکیل داده، اشاره می‌شود. ویژگی‌های کالبدی فضا یکی از معیارهای کیفی سنجش فضا است. انسان پاسخ نیازهای خود را در فضا جستجو می‌کند و برای هر نیاز خاص، ذهن انسان توقع فضایی خاصی را می‌طلبد که بتواند بهترین بستر را برای ارضاء نیازهای وی فراهم کند. نحوه پاسخ گرفتن از فضا و میزان رضایت شخص از محیط در رفتار و واکنش وی نسبت به محیط بروز می‌نماید. رابطه نزدیک و متقابل بین فضا و رفتار وجود دارد (Kazemi, 2006, p. 53).

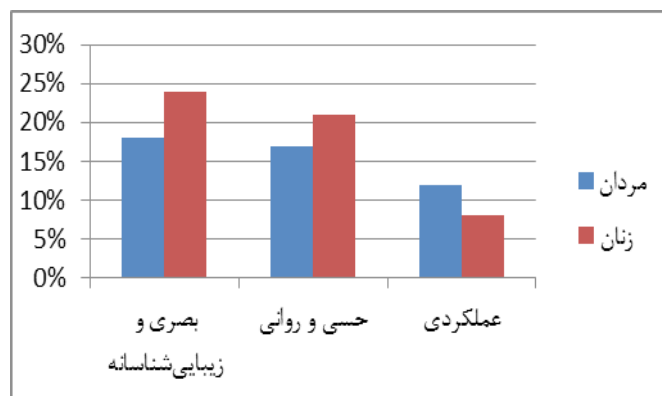
نظر به اینکه مطالعات جامعی در مورد نیازهای روانی و رفتاری زنان در فضاهای عمومی وجود نداشت، استخراج ویژگی‌های فضای کالبدی مورد توجه زنان و مؤثر در مطلوبیت و نامطلوبیت فضا ضرورت یافت تا معیارهایی برای آزمون فرضیه در نمونه‌های مورد مطالعه، به‌دست آید. بدین منظور پرسشنامه مناسب تهیه و به گردآوری اطلاعات به صورت میدانی و انجام مصاحبه با کاربران در محل فرهنگسراهای مورد مطالعه اقدام شد. این بخش از تحقیق از نظر زمانی بررسی مقطعی<sup>۸</sup> است (جدول ۲).

جدول ۲: مشخصات فرهنگسراهای انتخابی به عنوان جامعه آماری

ردیف	نام فرهنگسرا	مساحت (متر مربع)	مقیاس فرهنگسرا
۱	ارسیاران	۲۰۰۰	شهر
۲	اشراق	۵۰۰۰	منطقه
۳	ابن‌سینا	۱۶۰۰	همسایگی
۴	سرو	۳۵۰۰	ناحیه

پس از پایان عملیات فوق، پرسشنامه‌ها بررسی و اطلاعات آنان استخراج و مورد تحلیل قرار گرفتند. با بررسی ویژگی‌های مورد توجه کاربران، صفات دو قطبی تدوین شدند. البته، جهت سنجش میزان دقت و نحوه برگزاری آزمون، ابتدا گروهی ۱۰ نفره (۵ نفر خانم و ۵ نفر آقا) به صورت آزمایشی مورد آزمون قرار گرفتند و صحت پرسشنامه جهت اطمینان از درک کلی صفات توسط آزمودنی‌ها، تأیید شد. سپس پرسشنامه صفات دو قطبی در چند روز متوالی در چهار فرهنگسرای مورد مطالعه بین کاربران توزیع شد. میانگین صفات دو قطبی برای هر کدام از فرهنگسراها از دید دو گروه محاسبه و به صورت نمودار تدوین شد. آزمون یافته‌های پژوهش در نمونه‌های مورد مطالعه مشخص کرد که فضاهای معماری و کالبدی از دید بانوان و آقایان متفاوت ادراک می‌شوند. به‌این ترتیب فرضیه پژوهش که به تفاوت‌های ادراک فضای کالبدی در جنس‌های مختلف می‌پردازد، اثبات شد (نمودار ۳).

نمودار ۳: درک کل جامعه آزمودنی از ویژگی‌های سه‌گانه کالبدی فضا



به‌طور کلی عوامل صفات دو قطبی را به صورت زیر دسته‌بندی می‌کنیم (جدول ۳).

• ویژگی‌های بصری و زیبایی‌شناسانه بناها: نورپردازی، رنگ نما و فضاهای داخلی، کلاسیک یا مدرن، و کهنه یا نو بودن بنا.

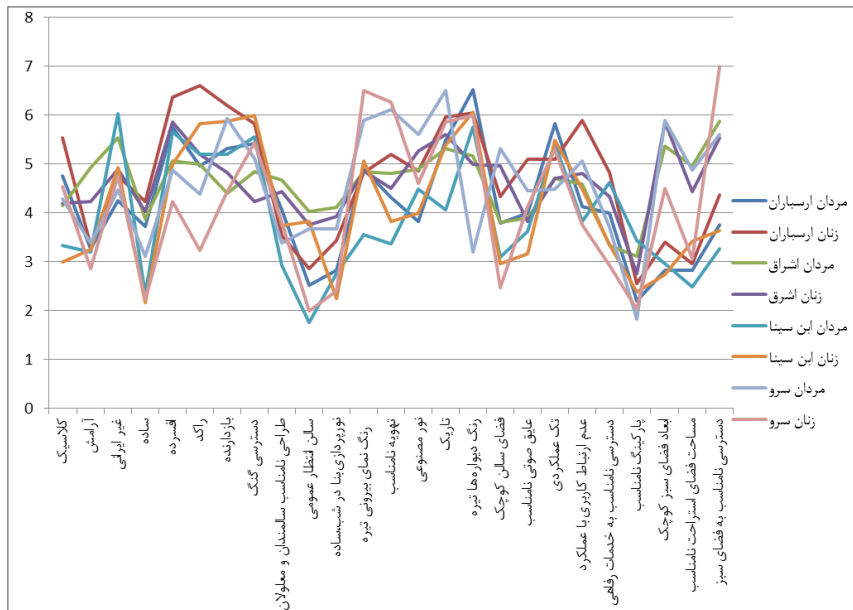
• ویژگی‌های حسی و روانی: آرامش و هیجان، ایرانی یا غیرایرانی بودن بنا، ساده یا پیچیده بودن بنا، افسرده یا دل‌باز بودن، پویا یا راکد، بازدارنده یا دعوت‌کننده، دسترسی گنگ یا گویا.

• ویژگی‌های عملکردی: طراحی طبق استانداردهای سالمندان و معلولان، تهویه مناسب، تک‌عملکردی یا چندعملکردی بودن بنا، ارتباط یا عدم ارتباط کاربری با عملکرد، دسترسی به خدمات رفاهی و فضای سبز.

جدول ۳: میزان ادراک کل جامعه آزمودنی در مورد هر یک از ویژگی‌های کالبدی فضا

ردیف	ویژگی‌های فضای کالبدی	درصد ادراک
۱	بصری و زیبایی‌شناسانه	٪۴۲
۲	حسی و روانی	٪۳۸
۳	عملکردی	٪۲۰

نمودار ۴: مقایسه سطح ادراک انجام شده توسط دو گروه آزمودنی زنان و مردان در هر چهار فرهنگسرا



### نتیجه‌گیری

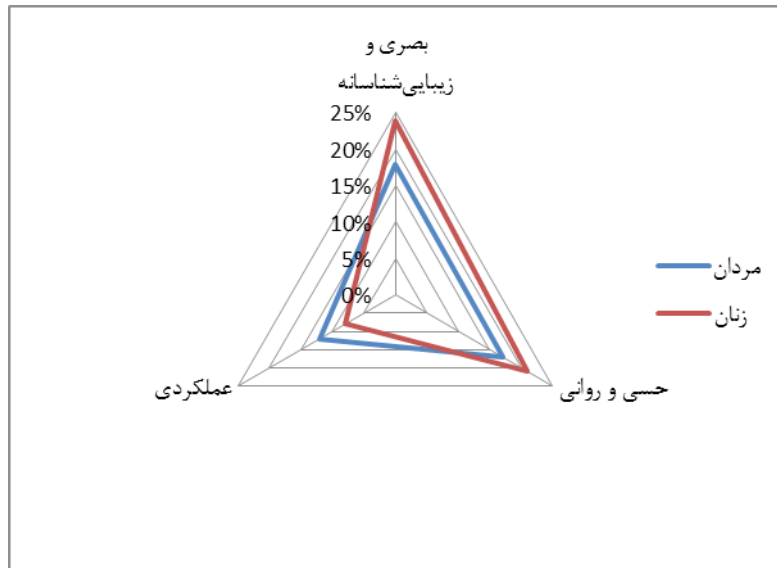
در مورد ویژگی‌های بصری می‌توان گفت، بانوان به نورپردازی و رنگ نمای فضاها و خصوصاً رنگ فضاهای داخلی و دکوراسیون و جزئیات توجه بیشتری نشان داده، درحالی‌که آقایان بیشتر به کلیت آن و تناسب نورپردازی و رنگ با عملکرد توجه داشته‌اند (نمودار ۴). تأمین روشنایی مناسب برای سطوح، باعث اجتناب از تفاوت‌های بیش از حد روشنی سطوح وسیع می‌شود که در میدان دید قرار دارند؛ تفاوت‌های زیاد در روشنی سطوح همانند درخشندگی بیش از حد منابع نوری باعث خستگی زنان می‌شود. در صورت روشنی یکنواخت، محیط خسته‌کننده ایجاد می‌شود. بنابراین باید در طراحی فضاهای معماری عمومی، به نورپردازی و تونالیته‌های رنگی فضاها، متناسب با کاربری آنان توجه کرد. چراکه این امر سبب رضایتمندی بانوان کاربران آن فضا شده و ایشان مدت زمان بیشتری را در آن فضا سپری خواهند کرد. علاوه بر نورپردازی، رنگ نمای فضاها بیشتر مورد توجه بانوان است؛ به‌طور کلی رنگ‌ها نباید قوی یا ضعیف باشند. رنگ‌های قوی می‌توانند باعث خستگی زنان شوند، درحالی‌که آقایان به این موضوع توجهی ندارند.

از ویژگی‌های روانی، نتیجه‌گیری می‌شود که در امنیت و فضای قابل دفاع بانوان، فضایی که شفافیت و تداوم بصری دارد، بیشتر احساس امنیت می‌کنند. فضاهایی که تاریک و خلوت نبوده و نورپردازی قابل قبولی دارند، از نظر بانوان امن‌تر و حضور در چنین فضاهایی برایشان ارجح است. هر دو گروه آزمودنی بناهایی را که با توجه به اصول معماری بومی و ایرانی طراحی شده‌اند، برای فرهنگسرا که نمادی از فرهنگ بومی می‌باشد، مناسب‌تر تلقی می‌کنند. با توجه به اینکه بانوان در فضاهای پیچیده سردرگم می‌شوند، فضاهایی که ساده نیستند و هیجان بالایی دارند، جهت حضور و فعالیت آن‌ها برای ساعات طولانی نامناسب هستند. برای مناسب کردن شرایط برای زنان، باید فضا را ساده و یکنواخت و کم‌جزئیات نگه‌داشت تا زیادی اطلاعات، موجب سردرگمی نشود. از آنجایی که ادارک زنان جزءگرا و مردان کل‌گراست، در طراحی فضایی عمومی لازم است جزئیات عناصر (تزئینات، تنوع در رنگ و مصالح و غیره) در کنار کلیت فضا (محسوریت،



پیوستگی جداره و غیره) تعریف شده‌باشند. بدین ترتیب هم خانم‌ها از حضور در فضا لذت می‌برند و هم آقایان ویژگی‌های فضا را با ادراک خود تطبیق می‌دهند.

#### نمودار ۵: مقایسه میانگین سطح ادراک ویژگی‌های کالبدی در هر چهار فرهنگسرا



در بحث مقولات عملکردی تفاوت معناداری بین دو گروه آزمودنی دیده نمی‌شود و هر دو ترجیح می‌دهند تا دسترسی‌ها ساده و گویا، فضاهای سبز وسیع‌تر و ظرفیت پارکینگ‌ها بالاتر باشند. تنها این نکته حائز اهمیت می‌باشد که عدم ارتباط کاربری با عملکرد آن فضا سبب عدم ارتباط کاربران با آن فضا شده و به طور رضایت‌بخش از آن استفاده نخواهد شد. برخلاف تصورات طراحان، اولویت با مواردی است که مدنظر طراحان نمی‌باشد. از قبیل: برخورد مناسب کارکنان و پیچیده نبودن پروسه عضویت و استفاده از امکانات فرهنگسراها، احساس امنیت و راحتی و تعلق خاطر به فضا، ارتباط با طبیعت و دوری از هیاهوی زندگی شهری. چنین مسائلی، جلوی نگرش صحیح کاربران به معماری یک فضا را می‌گیرند و ابتدا باید چنین مسائلی حل شوند تا کاربران بتوانند بدون دغدغه فضای کالبدی را به درستی ارزیابی کنند (نمودار ۵). براساس نتایج حاصله، افراد در برخورد با محیط نسبت به تمامی جنبه‌ها حساس بوده و تمامی حواس آنان در فرآیند ادراک محیط فعال است. آنان به تمام جنبه‌های فضا و مقولات بصری و روانی و ادراکی و عملکردی توجه داشته و حتی به بویی که در فضا به مشام می‌رسد و موسیقی‌ای که پخش می‌شود توجه دارند. بنابراین باید در طراحی فضاهای معماری رویکردی اتخاذ شود تا تمامی حواس کاربران فضا به صورت مطلوب تحریک شوند و به تمام جنبه‌های ادراکی کاربران و تفاوت‌های آنان توجه نمود. این مسأله می‌تواند باعث ادراک کامل‌تر و خاطره‌انگیزی آن فضا شود و کاربران بهتر و با کیفیتی بالاتر با آن ارتباط برقرار کرده و زمان بیشتری را با رضایت خاطر در آن سپری نمایند و کیفیت حضور هر دو جنس در فضا ارتقاء پیدا خواهد کرد.

#### پی‌نوشت

1. Gender
2. Sex
3. Semantic Differential
4. Time Sharing
5. Under-theorised
6. ساختار اجتماعی (Social Construct) مجموعه روابطی است که از طریق آن جامعه شکل گرفته و در ایجاد کنش‌های اجتماعی ما نقش مهمی دارد. خانواده، نهادهای آموزشی و رسانه‌ها از جمله عوامل عمده اجتماعی‌شدن محسوب می‌شود که در وادار ساختن مردم به فراگیری رفتارهای جنسیتی نقش اساسی دارد (Holmes, 2005, p. 63).
7. Participatory Method
8. Cross Sectional

## References

- Barati, N. & Soleimannejad, M.A. (2011). Perception of Stimulants in a Controlled Environment and the Impact of Gender on That (Case Study: Students of Imam Khomeini International University College of Architecture And Urban) (edrake moharekha dar mohite control shode va tasire jensiat bar an). *Garden of Vision*. 8th year, 17, 19-30.
- Bemanian, M.R., Rafieian, M. & Zabetian, E. (2009). Evaluation of Factors Affecting the Promotion of Women's Safety in Urban Environments (Sanjeshe Avamele Moaser bar Erteghaye Amniate Zanan dar Mohithaye Shahri). *Women in Development & Politics*. Issue 30. 49-67.
- Colomna, B. (1992). *Sexuality and Space*. NewYork: Princeton Architectural Press.
- Cuthbert, A. (2006). *The Form Of Cities; Political Economy and Urban Design*. Oxford: Blackwell Publishing.
- Fadda, G., & Jiron, P. (1999). Quality of Life and Gender: A Methodology For Urban Research. *Environment & Urbanization*, 11.
- Giddens, A. (1994). *Sociology*. (M. Saboori, Trans.). Tehran, Ney.
- Gifford, R. (1997). *Environmental Psychology, Principles and Practice*. University of Victoria.
- Holmes, M. (2008). *Gender and Everyday Life*. (M.M. Labibi, Trans.). Tehran. Afkar Publication.
- Jazany, N. (2001). *An Approach to Gender Analysis in Iran*. Tehran: Shahid Beheshti University Publication.
- Kazemi, M. (2006). A Review of Gender Issues and Their Impact on the Quality of the Environment (Case Study: Tabriz Fajr Park) (rooykardi tahlili be mahuleye jensiate va tasire an dar keyfiate faza). *Hoviatshahr*. 40. 47-58.
- Khani, F. (2006). *Gender and Development*. Social and Cultural Planning Office of the Ministry of Science, Research. Technology.
- Majd, M. (2006). *Man in Two Displays (Ensan Dar Do Jelve)*. Tehran: Mekial Publication.
- Mortazavi, Sh. (2001). *Environmental Psychology and its Applications*. Tehran: Shahid Beheshti University.
- Nersisias, E. (2004). *Gender Anthropology*. Tehran: Afkar Publication.
- Nightingale, A. (2006). The Nature of Gender: Work, Gender and Anvironment. *Institute of Geography Online Paper Seris*.
- Pakzad, J. & Bozorg, H. (2012). *Alphabet of Psychological Environment for Designers (Alefbaye Ravanshenasie Mohit Baraye Tarahan)*. Tehran: Utopia Publication.
- Rezazadeh, R. (2004). The Role of Architecture in Association with Meanings and Concept Transporting (barresie naghshhe memari dar tadaeie maani vaenteghale mafahim). Tehran. *HONAR-HA-YE-ZIBA*. Issue 48. 18-37.
- Robertson, I. (1989). *Society: A Brief Introduction*. Worth Publishers Inc. U.S., Published.
- Stevenson, D. (2003). *Cities of Culture*, Milton Park, Oxon, and New York, NY: Rutledge.
- Tonkiss, F. (2005). *Space, the City and Social Theory: Social Relations and Urban Forms*. H. Parsi, & Aflatooni, A. Trans.). Tehran: Tehran University.